

موزه ، مرکز تحقیقات یا انبار اشیاء اسرار آمیز ؟

سحرامینی

انسان برای شناخت دنیای پیرامون خود روشهای متعددی را به کار می گیرد و با توجه به آن از منابع و ابزار مختلف استفاده می کند . یکی از این روشها ، مطالعه آثار مربوط به زندگی و محیط زیست اوست که موزه ها و آثار موجود در آنها از منابع و ابزار مهم مطالعه و بررسی این موضوع می باشند. چرا که در موزه هاست که گذشته با حال و آینده - از طریق ارتباط اشیاء و آثار موجود در این موزه ها- پیوند می خورد . به این صورت که با مقایسه نمونه های مختلف اشیاء پی به کاربرد آن برده و جهت ساخت نمونه جدید در آینده الگو برداری می شود. در واقع می توان گفت که موزه هم یک کتابخانه است که فقط از نظر ارائه خدمات متفاوت است . در این مقاله به بررسی نقش مطالعاتی و تحقیقاتی موزه پرداخته می شود و می بایست به این سوال پاسخ داد که : آیا اگر امروزه از موزه ها در تحقیقات استفاده نمی شود دال بر این است که موزه ها ارزش تحقیقاتی خود را از دست داده اند و فقط مکانی جهت نگهداری اشیاء می باشد؟

برای بررسی این موضوع باید به پیشینه تاریخی نقش تحقیقاتی موزه ها پرداخت : موزه ها در گذشته تنها مکانی جهت نگهداری مجموعه های ارزشمند و گاهی نمایانگر شیوه های اعتقادی و آیینی یک قوم بودند . همانند معابد یونانی (موزین Mousein) که متعلق به Mouse الهه هنر و صنایع یونان باستان بودند و یا مجموعه هایی که در گورهای باستانی کشف می شود و نشان از اعتقاد آن اقوام به زندگی پس از مرگ دارد. اما در قرون وسطی این مجموعه ها توسط افراد ثروتمند و کلیساها به عنوان پشتوانه مالی و سرمایه جمع آوری می شد . تا اینکه در دوره رنسانس که دوره نو زایی فکری اروپا بود صاحبان این مجموعه ها پی به ارزش آنها بردند و با به نمایش گذاردن آنها و دعوت کارشناسان جهت مطالعه این مجموعه ها راه جدیدی برای شناخت انسان از دنیای گذشته و فرهنگ و تاریخ اقوام دیگر باز شد . اولین بار در قرن ۱۷ میلادی دانشگاه آکسفورد از مجموعه اختصاصی خود به نام موزه آشمولین در تحقیقات بهره برد . این موزه به سبک مدرن در سال ۱۶۸۳ میلادی در آکسفورد انگلستان تاسیس شد و دارای مدرسه تاریخ طبیعی ، سالن سخنرانی ، آزمایشگاه شیمی ، کتابخانه و سالن برگزاری نمایشگاه بود و بعدها دانشگاه های سراسر دنیا از این مدل پیروی کردند. به طوری که هر کدام بر حسب موضوعاتی که در آن دانشگاه تدریس و تحقیق می شد دارای مجموعه هایی شدند. اما در قرن ۱۸ میلادی حرکت جدیدی آغاز شد . یکی از بازرگانان ثروتمند شهر هامبورگ به نام گاسپر - اف - نایکل Gasper . F . Neikel به مشاورین پژوهشگر خود ماموریت داد تا قابل ترین و کارآمد ترین اشیاء زندگی طبیعی ، علمی و هنری زمان را گرد آوری کنند و آنها را با بهترین شیوه ها طبقه بندی کرده و برای نگهداری آنها با روشهای علمی اقدام نمایند و حاصل این پژوهش به صورت دستوالعمل برای استفاده مجموعه داران در سال ۱۷۲۷ منتشر گردید. نتیجه ۳ قرن فعالیت دانشگاهها و مجموعه های آنها و همچنین افرادی چون نایکل و مشاورینش توسعه علوم و منابع آن است .

موزه هایی که در قرون جدید ایجاد شدند نیز از الگوی آشمولین و دانشگاهها پیروی کردند و برای پاسخ دادن به ابهامات و در اختیار گذاردن اطلاعات دقیق در باره اشیاء موجود در موزه ها بخش تحقیقات را برقرار کردند و نشان دادند که تنها راه شرح و توصیف دقیق اطلاعات اشیای موزه ای تحقیقات می باشد و بدون انجام این تحقیقات نمایش اشیاء بی معنی می باشد و موزه ها تبدیل به انباری از اشیاء اسرار آمیز میشود.

در نتیجه می توان گفت که با انجام تحقیقات است که می شود به برخی از اهداف موزه ها دست یافت از جمله : ۱- انتقال پیام گذشتگان به آیندگان از طریق اشیاء

۲- ارزیابی و قیاس میان پدیده های تاریخی ، علمی و فنی ، صنعتی و هنری گذشته و حال

۳- ایجاد و تقویت تفاهم میان ملل و اقوام

۴- شناخت و نمایش اقوام در فرهنگ و تمدن جهانی که با تحقیقات مردم شناسی انجام پذیر است

۵- اعتلا و بهبودی دانش محصلان ، دانشجویان و پژوهشگران و گروه های مردم در آخر

۶- جلوگیری از انهدام فرهنگ بومی و ایجاد راهی در کنار فرهنگ های نامانوس .

اگر چه امروزه موزه ها نقطه تمرکز تحقیقات نیستند و انجام پژوهشهای رشته های چون باستان شناسی ، مردم شناسی و علوم زیستی و زمین شناسی کاهش یافته و این کاهش تبدیل به پدیده جهانی و همچنین بیشتر فشار آن بر روی موزه ها و مجموعه های دانشگاه هاست بطوری که مجموعه های تحت فشار گاهی به فراموشی سپرده می شوند اما دال بر این نیست که این موزه ها و مجموعه ها ارزش تحقیقاتی خود را از دست داده اند ، چرا که تاریخ علم ثابت کرده استفاده از موزه ها و مجموعه ها در تحقیقات قابل پیش بینی نیست و پیشرفت علم مختص یک دوره و اشخاص معینی نمی باشد و این مجموعه ها و موزه ها در دوره های بعد نیز ممکن است مورد استفاده قرار گیرند . در این جاست که علم و تکنولوژی به کمک موزه ها می آید و پژوهشگران با در اختیار داشتن دو ابزار مهم یعنی اشیاء موزه و تکنولوژی مدرن به قوانین جدید علمی و اجتماعی دست می یابند .

سخن اخر اینکه روشها است که تغییر می کند و موزه ها و مجموعه های دانشگاهی به عنوان آرشیو غیر قابل تغییر به جا می ماند و با ماهیت متفاوت خود ذهن بشر را با شواهدی که در بردارد به تفکر و می دارد و کنجکاوی او را جهت درک و تحلیل پدیده های طبیعی بر می انگیزد . و استفاده از مجموعه ها و موزه ها را از تنزل باز می دارد.

منبع. Icom. A note on museum research. Steven. Marta Lourenco. De Clercq